



مراسم کودکان به در خانه اهالی می‌روند و کیسه‌هایی که همراه دارند را با نقل و شیرینی پرمی‌کنند. بعد از آن ذبح قربانی‌ها انجام می‌شود و آتش نذری «هولوشین و بلغوره» که همان غذای عروسی پیرشالیار است پخته می‌شود. بعد از آن همه اهالی با پخت نان مخصوص «گپته مزگه» آن را به خانه پیرو و بزرگ روستا می‌برند. از آنجایی که سرزمین اورامان به سرزمین ۹۹ پیر مشهور است، اهالی این‌نا‌ها را باهم در خانه پیر روستا مخلوط می‌کنند و می‌خورند. این یعنی نان و نمک یکدیگر را می‌خورند و پیمان برادری می‌بندند. بعد از آن به مزار «پیر حمه یوسو» عموی پیرشالیار رفته و بعد از اینکه مردم به آنها ملحق شدند، به مزار پیرشالیار می‌روند.»

اینکه چرا این مراسم با گذشت حدود ۱۰ قرن همچنان پرشور برگزار می‌شود را هادی رحمانی این‌گونه پاسخ می‌دهد: «عشق مردم اورامان به پیر و مرادشان باعث می‌شود هر سال به شکل خودجوش و بدون هیچ شمشادشتی و یا کمک دولتی این مراسم را برگزار کنند. مردمی که در این چند روز همه زندگی‌شان را وقف این مراسم می‌کنند و خانه‌های‌شان را دراختیار کسانی قرار می‌دهند که به شوق حضور در این مراسم از شهرهای دور و نزدیک به اینجا می‌آیند. اورامان تخت با روستاهای اطراف آن ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد و برای این مراسم بسیاری از اهالی منطقه و شهرهای مختلف کشور و حتی کشورهای خارجی برای حضور در این مراسم به اینجا می‌آیند.»

عروسی بخارا در سرزمین اورامان

حضور اهالی در این مراسم به‌قدری مهم است که در این چند روز حتی کسانی که کولبری می‌کنند آن را کنار می‌گذارند. داستان عروسی پیرشالیار را اهالی اورامان با هیجان خاصی تعریف می‌کنند. عروسی که در آن دختر امیر بخارا بعد از شفا گرفتن به عقد پیرشالیار درمی‌آید. سعدی عزیز می‌نویسد: روستای اورامان و فعال فرهنگی روایتی از این عروسی و همچنین اهمیت آن برای مردم منطقه را این‌گونه می‌گوید: «پیرشالیار در اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶ هجری قمری زندگی می‌کرده و همدوره عبدالقادر گیلانی بود. او در بغداد و در مدرسه علوم دینی و نزد عبدالقادر گیلانی تحصیل کرد و اجازه ارشاد گرفت. به روایتی ۹۹۹ نفر نزد عارف گیلانی اجازه ارشاد گرفتند که هرکدام در یک چیز تخصص داشتند. مثلاً تعدادی از آنها در دام و طیور و بخشی در کشاورزی و بخشی نیز در پزشکی خدمات‌رسانی می‌کردند. پیرشالیار یکی از همین عارفان بزرگی است که به منطقه اورامان آمد. داستان ازدواج او نیز بسیار جالب است. دختر امیر بخارا به‌دلیل بیماری قدرت تکلم و شتوایی‌اش را از دست می‌دهد و پزشکان از درمان او عاجز می‌شوند. وزیر شاه به او می‌گوید در اورامان عارفی زندگی می‌کند که می‌توانیم دختر شما را نزد او ببریم. پادشاه دخترش را با کاروان بزرگی از شرق کشور به اورامان می‌فرستد. وقتی به ابتدای روستا می‌رسند، دختر قدرت تکلم پیدا می‌کند و زمانی که به در خانه پیرشالیار می‌رسند، او شتوایی‌اش را هم بدست می‌آورد. گفته می‌شود وقتی به نزدیک خانه پیرشالیار می‌رسند، دیوی از تنوره بزرگ بیرون می‌آید و نعره می‌کشد و می‌میرد. به همین دلیل به این تنوره که هنوز هم در اینجا قرار دارد تنوره دیو می‌گویند. بعد از شفا شاه‌بهار خاتون و بازگشت به بخارا، امیر دستور می‌دهد دخترش را به عقد پیرشالیار دریاورند. پیرشالیار می‌گوید چیزی ندارم که بتوانم مراسم عروسی بگیرم. در اینجا اهالی روستای اورامان تصمیم می‌گیرند مراسم عروسی پیرشالیار را برگزار کنند. مردم روستا هرکدام بخشی از هزینه‌ها و مواد غذایی عروسی را برعهده می‌گیرند و آتش مخصوص مراسم پخت می‌شود و جشن عروسی در سه روز برگزار می‌شود. چند قرن است که هر سال در این روز مراسم سالگرد عروسی پیرشالیار به شکل آیینی برگزار می‌شود و همزمان مردم با ذکر الله‌الله گرهم جمع می‌شوند و سماء می‌کنند.»

آفتاب در حال غروب است و با پایان مراسم، مردم دسته‌دسته از خانه‌های پلکانی روستای اورامان پایین می‌آیند تا برای مراسم روز بعد آماده شوند. مراسم سنتی و آیینی که پیامی از عشق، زندگی، اتحاد و همبستگی دارد.



عشق‌های یوسف حیدری ایران

گزارش میدانی از آیین سنتی پیرشالیار در دل کوه‌های اورامانات کردستان

داماد ۹۵۰ ساله هورامان

همه دعوت بودند. از سراسر کشور خودشان را به اینجا رسانده بودند تا در این مراسم حضور داشته باشند. مراسم آیینی که هر سال در هفته دوم بهمن ماه در روستای اورامان تخت کردستان برگزار می‌شود. جشنی که قدمت آن به هزاره می‌رسد و مردم روستا برگزارکننده آن هستند. از هفته اول بهمن مردم روستای اورامان تخت و روستاهای منطقه سسر را نامی شناسند. همه برای برپایی مراسم پیرشالیار (پیر شهریار هورامی) آستین بالا می‌زنند تا یاد پیرو مرادشان را زنده نگه‌دارند.

روستای زیبای اورامان و خانه‌های سنگی و منحصر به فرد و با منظره چشم‌نواز کوهستان میزبان هزاران نفر مردمی است که به شوق حضور در این مراسم از سراسر کشور به اورامان می‌آیند. پیرشالیار واسط مردم اورامان و ساکنان دیگر شهرهای ایران است که بیش از ۹۵۰ سال، سالگرد این آیین سنتی را برپا می‌کنند و روایت پیر جهان‌دیده را سینه به سینه نقل می‌کنند.

گزارش

یوسف حیدری
نیرو گزین گزارش

حلقه ارتباط پیرشالیار
برای رفتن به اورامان باید از جاده‌های پرپیچ‌وخم و کوهستانی عبور کنید. جایی که از همان روزهای اول زمستان برف سنگین باعث مسدود شدن جاده می‌شود، اما وقتی به زمان مراسم پیرشالیار نزدیک می‌شویم، جاده‌ها برف‌روبی می‌شوند تا علاقه‌مندان به این مراسم بتوانند به این روستا سفر کنند. ماه بهمن برای مردم منطقه اورامان (هورامان) جایگاه ویژه‌ای دارد. جایگاهی به قدمت نزدیک هزار سال و مراسمی که سال ۱۳۹۷ در فهرست میراث ناملموس ایران به ثبت رسیده است. از همان روزهای اول بهمن همه برای برپایی جشن پیرشالیار آماده می‌شوند. هفته اول، هفته خبر است و به همه اهالی منطقه اورامان اطلاع داده می‌شود که برای برپایی جشن آماده شوند. برخی از اهالی که نذر دارند برای ذبح قربانی آماده می‌شوند. با طلوع آفتاب روز ۱۰ بهمن، شور و حال عجیبی در روستای اورامان ایجاد می‌شود. همه مردم روستا از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در کنار مردمی که از شهرهای مختلف خودشان را به روستا رسانده‌اند، به مزار پیرشالیار در پایین روستا می‌روند. مزار پیرشالیار در کنار باغ بزرگ گردو قرار دارد و دوستداران این عارف بزرگ در کنار پیروان طریقت پس از زیارت مزار و چله خانه که محل عبادت پیر شالیار بود برای برگزاری مراسم جشن آماده می‌شوند. انگار پیرشالیار حلقه ارتباط محکمی است بین مردم کردستان و اقوام و آیین و فرهنگ‌های مختلف که از سراسر کشور برای حضور در این مراسم به اورامان می‌آیند.

پارچه‌هایی برای باهم بودن

درختان کنار مزار پیرشالیار با پارچه‌هایی که به شاخه‌های آن گره خورده است، همان لحظه ورود چشم‌ها را خیره می‌کند. پارچه‌هایی که روایت آن از زبان اهالی روستا حکایت از مهر و محبتی است که مردم به نیازمندان داشتند. محمود یکی از اهالی روستای اورامان با اشاره به پارچه‌هایی که به درختان بسته شده است، می‌گوید: «اهالی این روستا وقتی به زیارت بارگاه پیرشالیار می‌آمدند، اگر نیازمند بودند و مشکلی در زندگی داشتند، پارچه‌ای را روی یکی از شاخه درختان پهن می‌کردند. هرکدام از مردم روستا که توانایی رقی این مشکل را داشت، بخشی از پارچه را به دور دستانش می‌بست و به روستا برمی‌گشت. این به آن معنا بود که فرد نیازمند احساس تنهایی نکند و بفهمد همه در کنار او هستند و نیاز و مشکل او را برطرف خواهند کرد. سال‌هاست که این رسم در این روستا پابرجاست. البته چند سالی است مردمی که از شهرهای مختلف به اینجا می‌آیند، به تصور اینکه این پارچه‌ها حاجت می‌دهند آن را به شاخه‌ها گره می‌زنند درحالی‌که این گونه نیست.»

از کنار درختان گردو و مزار پیرشالیار که بگذرید، به چله‌خانه یا همان مکان عبادت پیرشالیار می‌رسید. جایی که به گفته اهالی، او ۴۰ سال و هر سال ۴۰ روز در این چله‌خانه سنگی عبادت می‌کرد و فقط با خوردن روزی به عدد خرما روزه می‌گرفت. عبدالله یکی از اهالی و راهنمای گردشگری اورامان با اشاره به اینکه پیرشالیار با چله‌نشینی به درجات بالای عرفان رسید، می‌گوید: «فضای داخل عبادتگاه طوری است که فقط یک تخته‌سنگ کوچک همه فضای مکان عبادت را سرپا نگه داشته است. این سنگ که گفته می‌شود انرژی خاصی دارد، در همان ورودی عبادتگاه قرار دارد و پیرشالیار در این ۴۰ روز به این سنگ تکیه می‌داد.» صدای دف‌نوازی در کنار عبادتگاه و ذکر نام خدا در کنار سماء چند نفر از اهل طریقت جلوه خاصی به آنجا می‌دهد. محمد صالح یکی از اهالی کردستان عراق که برای حضور در مراسم پیرشالیار آمده است، با اشاره به اینکه اولیای خدا در مکان‌های مختلف ایران و عراق باعث خیر و برکت هستند، می‌گوید: «از سلیمانیه به شوق حضور در مراسم پیرشالیار به اورامان آمده‌ام. پیرشالیار یکی از اولیای خداوند است که ۹۵۰ سال قبل مراحل سلوک و عرفان را طی کرد و کسی بود که برای دین اسلام نفس خودش را قربانی کرد.»

عروسی خوبان

مراسم پیرشالیار با طلوع آفتاب دومین چهارشنبه بهمن ماه آغاز می‌شود. جایی که کودکان اورامانی درحالی‌که کیسه‌های پارچه‌ای در دست دارند، به در خانه اهالی

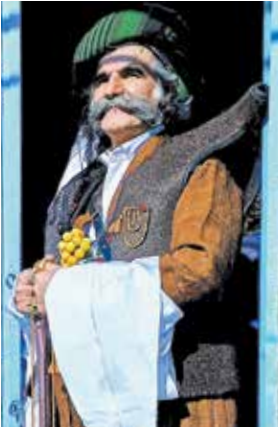
به نیت این مراسم کاشت و برداشت شده است.»
وی ادامه داد: «مراسم پیرشالیار در سه هفته و در فصل زمستان برگزار می‌شود. هفته اول که به آن هفته خبر گفته می‌شود، یک نوع کارت دعوت و اعلان عمومی به همه ایران و دنیاست که قرار است هفته بعد مراسم پیرشالیار برگزار شود. خبر این مراسم بین اهالی اورامان نیز برای پشت غذای مخصوص مراسم پیرشالیار استفاده می‌شود، طی یک‌سال توسط کشاورزان منطقه و

سال است که در هورامان تخت برگزار می‌شود، به خیرنگار «ایران» می‌گوید: «همه این مراسم یک پروسه یک‌ساله است و فقط به این چند روز اختصاص ندارد. دامی که در اینجا ذبح می‌شود، طی یک‌سال کنار درواش که موهای‌شان را باز کرده‌اند، قرار دارند و می‌چرخند و ذکر و رقص سماع می‌کنند. هادی رحمانی فعال فرهنگی اورامان و یکی از برگزارکنندگان مراسم پیرشالیار با اشاره به اینکه مراسم آیینی پیرشالیار هورامان نزدیک به هزار

پیدا می‌کند. آفتاب که به نوبت کوهستان اورامان می‌رسد، مراسم جشن عروسی از جمع کردن شیرینی و شکلات، آنها را به خانه‌های‌شان می‌برند. بعد از آن نوبت به ذبح قربانی‌ها می‌رسد. اهالی که برای این مراسم عروسی پیرشالیار را نظاره کنند. بعد از برگزاری نماز جماعت در مسجد حضرت عبدالله که قدمت آن به قرن ششم هجری قمری می‌رسد، مراسم دف‌زنی و ذکر در پشت‌بام یکی از خانه‌ها آغاز می‌شود. گروهی

پیدا می‌کند. آفتاب که به نوبت کوهستان اورامان می‌رسد، مراسم جشن عروسی از جمع کردن شیرینی و شکلات، آنها را به خانه‌های‌شان می‌برند. بعد از آن نوبت به ذبح قربانی‌ها می‌رسد. اهالی که برای این مراسم عروسی پیرشالیار را نظاره کنند. بعد از برگزاری نماز جماعت در مسجد حضرت عبدالله که قدمت آن به قرن ششم هجری قمری می‌رسد، مراسم دف‌زنی و ذکر در پشت‌بام یکی از خانه‌ها آغاز می‌شود. گروهی

پیدا می‌کند. آفتاب که به نوبت کوهستان اورامان می‌رسد، مراسم جشن عروسی از جمع کردن شیرینی و شکلات، آنها را به خانه‌های‌شان می‌برند. بعد از آن نوبت به ذبح قربانی‌ها می‌رسد. اهالی که برای این مراسم عروسی پیرشالیار را نظاره کنند. بعد از برگزاری نماز جماعت در مسجد حضرت عبدالله که قدمت آن به قرن ششم هجری قمری می‌رسد، مراسم دف‌زنی و ذکر در پشت‌بام یکی از خانه‌ها آغاز می‌شود. گروهی



عشق مردم اورامان به پیرو مرادشان باعث می‌شود هر سال به شکل خودجوش و بدون هیچ شمشادشتی و یا کمک دولتی این مراسم را برگزار کنند. مردمی که در این چند روز همه زندگی‌شان را وقف این مراسم می‌کنند و خانه‌های‌شان را دراختیار کسانی قرار می‌دهند که به شوق حضور در این مراسم بسیاری از اهالی منطقه و شهرهای مختلف کشور و حتی کشورهای خارجی برای حضور در این مراسم به اینجا می‌آیند.